

این مأموران قرار میگرفت (*) . اکیپ چند نفری مأموران کم کم بصورت پاسگاه‌های درآمد که توسط پاسبانهای کلانتری تارمک پاسداری میشد و کارش جلوگیری از ورود مصالح ساختمانی به این منطقه بود . مردم از مزاحمت‌های پاسبانهای این پاسگاه که جای مأمورین شهرداری سابق را گرفته‌اند به تنگ آمده‌اند و آنرا محل دزدان سرگرد نه مینامند . درگیری‌های پراکنده مردم با این "دزدان سرگرد نه" ادامه دارد . مثلاً یکبار پاسبانهای پاسگاه بوسیله "عدای ناشناس کتک خورده و فرار میکنند ولی مجدداً" برمیگردند و کارهای ضد مردمیشان را ادامه میدهند .

مزدوران شهرداری و شهربانی در ۹ آبان ماه گذشته بنا بولد وزرها و تجهیزات نظیر مسلسل و گازاشک آور به منطقه می‌آیند و علیرغم اعتراضات مردم در حدود ۶۰ خانه را — در منطقه معروف به اوقاف — خراب میکنند . مردم میگفتند همان چند نفری که از مارشوه گرفته بودند تا خانه‌هایشان را بسازیم موقع خراب کردن خانه‌ها فرماندهی عملیات را بعهده داشتند .

دو باره مدتی بعد مأمورین برای خراب کردن چند مغازه — یا خانه — وارد شمیران نومیشوند ولی مردم بآنها اجازه

(*) — روزنامه‌های جیره خوار رژیم نیز خبرهای مختلفی را از این جریان درج کرده‌اند . مثلاً کیهان روز ۲۲ شنبه ۳۱ شهریور ۵۰ نوشت : "توقیف مصالح ساختمانی در شمیران نو" ۵۰ اکامیون مصالح ساختمانی توقیف شد و

چنین تجاوزی را نمیدهند. اهالی این منطقه که در گذشته ای نزدیک مقاومت و مبارزه دیرینه خود را نشان داده بودند این بار هم به زد و خورد با مأمورین میپردازند. مأمورین بعضی درگیری شروع به تیراندازی هوایی و پرتاب گاز اشک آور میکنند. در اثر مقاومت شدید مردم تیرها که ابتدا هوایی بود بجانب مردم نشانه روی میشود. این جنایت تعدادی زخمی و یک شهید بنام "علی میرزائی" بجای میگذارد و چند مغازه هم خراب میشود. همان شب تعداد زیادی از اهالی در مسجد جمع میشوند و در حالیکه چشمان عدوهای در اثر شلیک گاز اشک آور پوسیده، مأمورین بشدت میسوخند در باره جریان صبح به گفتگو میپردازند. فردی شروع به سخنرانی کرده میگوید: "من میدانم که فردا ساعت ۹ اینجانستم ولی میخواهم حرفهایم را بزنم. ما چقدر بیچاره ایم. در وطن خودمان حق زندگی و آزادی نداریم مردم شما هم غیرت ندارید؟ اکنون چند مغازه را خراب کرده اند. فردا نوبت خانه های شماست. همت کنید و فردا بطرف مجلس راه بیفتید و تظاهرات برای بیندازید. اسم ما شمیران نوئی ها بد در رفته. هر جا (اداره یا موتسه دولتی) از شمیران نوئی ها صحبت میشود به او خرابکار میگویند و... " او سپس برای اینکه صحبت هایش مارک سیاسی نخورد میگوید: "مردم شما خیلی خوبه، اشتباه نکید اینها هستند که نمیگذارند اخبار به گوش شاه برسد." عکس العمل مردم در مقابل این حرف تمسخر بود. این تمسخر گویای همه آن ستمی بود که تحمل کرده بودند. ستمی که از طرف مأموران رژیم همین شاه خائن بآنها شده بود. همین فرد را امام صحبتش گفت: "من فردا نیستم. چند وقت

پیش‌بخاطر همین حرف‌ها مرابه سازمان امنیت بردند و ۱۲ روز بازداشت کردند و ...

بهر صورت آنشب تصمیم براین می‌شود که همه اهالی ۸ صبح فرداد ر مسجد حاضر شوند ولی مردم تأکید می‌کردند که مرد ها نباید ر تظاهرات شرکت کنند چون ر اینصورت عمال جنایتکار رژیم با باتم واسلحه آنها را متفرق می‌کنند ولی با زنبه‌ها و بچه‌ها نمیتوانند چنین رفتاری داشته باشند ! مردم از فردی که در این حادثه کشته شده بود بعنوان شهید یاد می‌کردند و میگفتند : " او به خاطر همه ما شهید شد تا ما خانه مان را حفظ کنیم . او راه را بمانشان داد . "

بنا بود جسد این شهید رابه مسجد بیاورند تا در حجرستان تظاهرات ر پیش‌صفوف تظاهرات کنندگان بحرکت درآید تا آنها در مسیرشان برای مردم توضیح بدهند که چرا تظاهرات کرده و فرد مذکور برای چه بشهادت رسیده است . ولی پزشکان قانونی از دادن جسد به مردم خودداری کرد و تظاهرات نیز برای جلوگیری از سرکوب خونین آن توسط چکمه پوشان رژیم انجام نشد . اجتماع مردم در آنشب با سخنرانی یکی د نفر دیگر پایان یافت . مبارزه و مقاومت زحمتکشان شمیران نسو هنوز ادامه دارد .

مبارزه زحمتکشان عظیمیه کمرج :

ساکنین کوی عظیمیه - در محدوده شهرستان کمرج - پس از شهیدید مأمورین رژیم در مورد خراب کردن خانه هایشان تهدید کرده اند که در صورت نزدیک شدن بولد وزرها ب خانه هایشان متقابلا ۲ خانه شهردار کرج راجه آتش خواهند

کشیدند. بدنبال همین جریان روزنامه "جیره خوار" رستاخیز" ۲۳ دیماه تحت عنوان "تقاضای ساکین کوی عظیمیه" از قسول اهالی این منطقه نوشت: "ما ساکین خیابان ۲۴ متری عظیمیه در محدوده شهرستان کرج، نزدیک به یکسال است در این محل ۲۰۰ دستگاه ساختمان احداث کرده و در آن ساکن هستیم ولی از چندین پیش آنها بدون دلیل قابل قبولی، مورد مزاحمت مأموران شهرداری کرج قرار گرفتیم. مأمورین شهررداری، مرتب ما را مورد تهدید قرار میدهند که باعث وحشت خانواده هایمان شده است و چون امکان تلفات جانی زیاد است لذا توجه مقامات مسئول را جلب و تقاضای رسیدگی فوری داریم تا اقدامات تهدیدآمیز مأمورین شهرداری کرج جلوگیری شود."

"محمد ایران نژاد و تعدادی امضای دیگر"
 مأمورین تاکنون اقدامی برای خراب کردن خانه های مردم صورت نداده اند.

زحمتکشان حقوق خود را بزور میگیرند:

در تاریخ ۱۵/۱۱/۵۴ بیش از صد نفر از زنان زحمتکش خیابان چهل متری حسینی دست بتظاهرات میزنند.
 خیابان حسینی - که جاده قدیم کرج را به جاده "ساوه" وصل میکند - بعلت عبور و مرور ماشینهای سنگین، ترافیک فشرده ای دارد. پرجمعیت بودن منطقه، ترافیک سنگین خیابان و نبودن وسائل ایمنی (چراغ راهنمایی و...) در آن و نیز تاریخ بودن خیابان تاکنون موجب حوادث زیادی شده است. بگفته اهالی از زمان احداث خیابان تاکنون - حدی

۸ ماهه — ۴۰ الی ۵۰ نفر در تصادفات این خیابان کشته شده‌اند .
 دوسه شب قبل از تظاهرات زنان، زنی حامله بر اثر برخورد با
 تریلر کشته میشود و صبح همان روز نیز مردی جان خود را در این
 جاده از دست میدهد . این حوادث، خشم مردم را ادامه
 میزند و زنان — که بخصوص شدت خشمگین بودند — تصمیم
 میگیرند که تظاهراتی برای بیان ازند . بر اساس این تصمیم روز
 ۱۵ بهمن ماه جاده را بند می‌آورند . ماشین‌ها در صفی طولانی
 مجبور به توقف میشوند . چند راننده که با اعتراض به زنان، قصد
 عبور از لابلای آنها را میکنند مورد تهاجم زنان قرار گرفته و ماشینها
 ایشان سنگباران میشود . شیشه‌های چند ماشین خرد میشود
 و زنان خشمگین اعلام میکنند که تا تضمین اجرای درخواستهایشان
 به تظاهرات خود ادامه خواهند داد . آنها خواسته‌های خود
 را به این شرح اعلام میکنند :

۱ — نصب چراغ در سرتاسر خیابان، زیرا تاریکی عامل مهمی
 در این تصادفات بوده است .

۲ — نصب چراغ‌های راهنما در فواصل مختلف جاده و
 ایجاد پلهای هوایی برای عبور پیاده .

۳ — نصب چراغ راهنما و یا گذاشتن مأموران پلیس راهنمایی
 در تقاطع‌ها .

در همین موقع قطاری که میبایست از خط آهن بخل جاده
 بگذرد سر میرسد و مجبور به توقف میشود .

خبر این تظاهرات به کلانتری محل (کلانتری ۱۹) میرسد
 که برای متفرق کردن زنان پاسبان بمحل میفرستد . پاسبانها
 که قصد حمله به زنان را داشتند مورد تهاجم آنها قرار گرفته و

قیام کارگر _____ ۵۰
سنگباران میشوند . بدنبال این جریان ژاندارمری دخالت
میکند . چند کامیون ژاندارم مسلح به خیابان آمده زنان را با
خشونت متفرق میکنند .

خواسته‌های مردم که از مدت‌ها قبل بوسیله نامه‌ها و
شکایت کردن و ... عنوان شده بود اینبار با اتحاد خود آنها
و برخورد خشونت آمیزشان ضمانت اجرائی پیدا میکند و روز بعد
از تظاهرات رژیم بالا جبار تعداد زیادی کارگر را برای اجرای
خواسته‌های مردم و در مرحله اول نصب چراغ برای روشنایی
خیابان به آنجا میفرستد .

"پرشکوه تریاد مبارزه" توده‌ها علیه "
"رژیم شاه جنایتکار"

آماري از جنایات سرمایه داران :

طبق آماري که از روزنامه‌های جیره خوار رژیم بدست
آوردیم ، از آن‌ماه گذشته تا نیمه بهمن امسال ، ۳۷ کارگر در
ضمن کار و در اثر انفجار دیگ بخار ، برق گرفتگی ، سقوط از بلندی
و ... کشته شده‌اند .

این آمار مسلماً "بیان کننده" فقط جزئی از جنایات سرمایه
داران است . زیرا از همدست و حامی جنایتکار نمیتوان انتظار
داشت که بهمه "جنایات اعتراف کند" رژیم شاه که خود مستقیماً
در جنایات سرمایه داران شریک و مسئول است از جنایات آنان
بوسیله "وزارت کار ، پلیس ، ژاندارمری ، سازمان امنیت و ..."

حمایت میکند، مسلماً فقط جزء کوچکی از این جنایات را منعکس مینماید. و قربانیان حرص و آرزومایه داران بسیار بیشتر از ۳۷ نفری است که رژیم اعتراف میکند.

در این میان رژیم که قصد دارد دستان خون آلود خود را بپوشاند و انمود میکند که گویا "صدمات وارد به کارگران ناشی از بی‌مبالاتی، بی‌دقتی، و...، خودشان است" به این دلیل است که کارگران از وسائل حفاظتی استفاده نمیکنند! و لسی کوشش رژیم بیهوده است.

کارگران بخوبی میدانند که این کشته‌شدگان و صدها و هزارها کارگر کشته شده و صدمه‌دیده، دیگر قربانیان حرص و آرزومایه دارانند. همچنین کارگران بخوبی میدانند که آنها بدین دلیل صدمه دیدند و یا جان خود را از دست دادند که وسائل حفاظتی در کارخانه‌ها وجود نداشته است.

چند خبر دیگر در این زمینه:

* - یکی از کارگران کارخانه سیمان مشهد دستش زیر سوار نقاله رفته و قطع شده است. قبلاً نیز در این کارخانه یک کارگر از بالای دکل سقوط کرده و درگذشته است.

* - ساعت ۳ صبح روز ۲۸/۱۰/۵۴ حدود ۱۰ نفر

از کارگران کفش ملی که از سرویس عقب مانده بودند برای اینکه در کارخانه نرسند و جریمه نشوند سوار یک وانت میشوند. اوایل جاده قدیم کرج بعد از فرودگاه، ماشینشان از کار میافتد. هنگامیکه کارگران مشغول هل دادن ماشین‌وراه انداختن آن بودند، مینی‌بوس که با سرعت از جاده عبور میکرد از پشت به آنها میزند. در این تصادف بین ۳ الی ۶ نفر از کارگران کشته

قیام کارگر _____ ۵۲
و بقیه زخمی میشوند .

* - در هفته اول بهمن ماه ۵ تن از کارگران شرکت "تکوفر"، هنگام بازگشت از کارخانه در جاده قدیم کرج - حوالی شاهپسند - بر اثر تصادف بایک اتوبوس مسافربری (و بقولی سرویس کفش ملی) درجا کشته میشوند .

پیروزی کارگران کارخانه قرقره زیبا :

کارگران کارخانه قرقره زیبا که در آبانماه امسال دست با اعتصاب زده بودند ، توانستند بهمه خواستههای خود دست یابند . اعتصاب کارگران با موفقیت کامل و با گرفتن "یکماه و نیم سود ویژه برای نیمه اول سال" و "یک پایه حقوق پایان گرفت" علیرغم این پیروزی و بالا رفتن مزد ، کارگران بطور روزافزونی کارخانه را بعلت سطح پائین دستمزدها در آن ترک میکنند و به کارخانه‌هایی که با مزد بیشتری آنها را استخدام میکنند میروند . چند سالن و تعداد زیادی از دستگاهها خوابیده است و کارخانه اکنون با کمبود ۶۰۰ نفر کارگر روبروست . کارخانه درخشان (وابسته به کارخانه قرقره زیبا) هم ۳۰ نفر کارگر کم دارد .

اعتصاب در معادن کرمان و پیروزی کارگران :

کارگران معادن کرمان در نیمه اول بهمن ماه ۵۴ ، برای گرفتن مزد دیماه که پرداخت نشده بود دست به اعتصاب زدند . این اعتصاب تا پیروزی کامل کارگران ادامه داشت و معدنچیان خشمگین که ستم دولت ضد کارگری شاه جنایتکار جانانشان را به لب رسانده بود ، تنها پس از گرفتن تمام دستمزدهایشان حاضر

شدند به سرکار برگردند .

اینک شرح جریان اعتصاب :

* - اعتصاب کارگران معدن "پادانا"ی کرمان :
 اعتصاب در این معدن سه روز طول کشید . کارگران بلافاصله پس از دست کشیدن از کار، به نیروگاه برق معدن حمله کرده و آنجا را اشغال میکنند . معدنچیان خشمگین به کارمندان نیروگاه دستور میدهند که نیروگاه را خاموش کنند . کارمندان درابتدا از انجام این کار خودداری میکنند ولی وقتی خشم کارگران را مشاهده میکنند و با فحش و تهدید آنها رو برو میشوند، تسلیم شده و قبول میکنند که نیروگاه را خاموش کنند . با اینحال میگویند : "باید اول از سرعت ماشینها کاست و بعد آنها را خاموش کرد . در غیر این صورت دستگاها خراب میشوند . " کارگران جواب میدهند : "به جهنم که خراب میشوند . " و کارمندان را مجبور میکنند که یک دفعه نیروگاه را خاموش کنند .
 پس از خاموش کردن نیروگاه، عده‌ای از کارگران چوب به دست و بایک ماشین به جستجوی معدن میپردازند . و هر جا کارگری را در حال کار کردن مشاهده مینمایند او را بزور سوار ماشین کرده و در فاصله‌ی دوری پیاده میکنند .
 کارگران سپس وارد قسمت اداری شده و آنجا راه تعطیل میکنند . شدت عمل کارگران در این قسمت بیشتر بود و مثلاً وقتی یکی از کارمندان در مقابل اقدامات کارگران مقاومت میکند، کارگران او را با فحش از قسمت اداری بیرون میاندازند . کارگران اعتصابی در جستجوی کارگران و کارمندی که ممکن بود احياناً مشغول بکار باشند حتی به باشگاه نیز رفتند و

چون در آنجا غیر از کارشناسان روسی کسی را ندیدند آنجا را ترک کردند .

در روز دوم مقدار زیادی سرباز نیروگاه برق را محاصره میکنند تا از اشغال آن بوسیله کارگران جلوگیری کنند . فرماندهی سربازان برای ترساندن کارگران میگوید : "اگر فردا سربازان بروید همه‌ی شما را به مسلسل میبندیم . یکی از کارگران میگوید : "سال قبل در همین موقع در رمز عراق زیر گلوله توپ و تفنگ بودیم و از این چیزها نمیترسیم ."

در جریان اعتصاب معدن "پابدانا" ، "اعتصامی" رئیس با اصطلاح اداره‌ی کارکرمان به محل می‌رود و با کارگران صحبت میکند و میگوید : "شما سربازان بروید ، من قول میدهم هر چه بخواهید تا ده روز دیگر برایتان آماده کنم . یکی از کارگران با گفتن اینکه این قول را سال قبل هم دادی ولی به آن عمل نکردی ، او را رسوا میکند . بالاخره در روز سوم کارگران با گرفتن تمام دستمزدشان حاضر میشوند سرکار برگردند و روز چهارم این کار را میکنند . یکی از کارمندان در این مورد میگوید : "به ماد و ماه حقوق ندادند حرف نزدیم ، ولی کارگران دستمزدشان را - که چند روز پیر شده - بسزور گرفتند ؟"

* - کارگران معدن "باب پنزو" نیز همزمان با کارگران معدن "پابدانا" دست به اعتصاب زدند . در جریان اعتصاب ، کارگران رئیس معدن - مهندس حسن زاده - را که آنها را تهدید کرده بود بشدت کتک زدند . همچنین رئیس انتظامات و چند مهندس دیگر نیز بشدت کتک خوردند . کارگران تا پیروزی کامل و گرفتن تمام دستمزدشان به اعتصاب

ادامه دادند .

* - کارگران ذغال شوئی زرنبد کرمان - که وابسته به کارخانهی ذوب آهن است - نیز در همین موقع اعتصاب کرده و مانند کارگران د معدن دیگر پس از رسیدن به خواستههایشان به سرکار برگشتند .

- پرداخت دستمزد کارگران باگرفتن ۶ میلیون تومان وام از بانک ملی ممکن شده است . بازپرداخت این وام را آرشام سرمایه دار با اصطلاح نیکوکارگرمانی و رئیس سازمان امنیت کرمان ، تضمین کرده است . علت ضمانت آرشام این بود که وقتی بانک از ذوب آهن در این مورد سؤال میکند ، ذوب آهن جواب میدهد : " فعلا هیچگونه پول و اعتباری برای پس دادن این وام نداریم . " باینجهت و برای پایان دادن به اعتصاب خشمگینانهی معدنچیان ، بالاخره آرشام مزدور مجبور میشود خود شخص ضمانت به بانک بدهد .

* * *

* - در اواخر دیماه سال جاری کارگران چاپخانهی روزنامهی اطلاعات برای افزایش دستمزد دست به اعتصاب زدند . این اعتصاب ۲ ساعت طول کشید و کارگران پس از گرفتن ۱۲۰ تومان اضافه دستمزد رها به سرکار برگشتند .

* - در دیماه سال جاری کارگران کارگاه سنگبری " میکسا " برای افزایش دستمزد خود ، ابتدایست به کم کاری میزنند ولی چون نتیجهای نمیگیرند دست از کار میکشند و با این کار بالاخره کارفرما را مجبور میکنند که ۱۵٪ برد دستمزدشان اضافه کند . تعداد کارگران این کارگاه ۱۰۴ نفر است .

* * *

قیام کارگر
اخبار جنبش مسلحانه‌ی خلق : ۵۶

* - روز دوشنبه ۱۳ بهمن دولت شاه جنایتکاری یکی دیگر از جنایات خود را اعلام کرد . این جنایت جدید اعدام و تسمین دیگر از انقلابیونی بود که علیه رژیم ضد خلقی ایران دست به اسلحه برده بودند .

انقلابیون شهیدی که با خونشان نهال جنبش انقلابی زحمتکشان ایران را آبیاری کردند عبارت بودند از :
انقلابی شهید محمد باقری و انقلابی شهید محمود پهلوان .

* - اعدام يك شكجه گر :

صبح روز سه‌شنبه ۱۴ بهمن حکم اعدام انقلابی "ناهدی" سر بازجوی ساواک مشهد بوسیله يك واحد چریکی از رزمندگان "سازمان چریکهای فدائی خلق" اجرا شد .
"ناهدی" از معروفترین شکجه‌گران ساواک مشهد بود و اعدامش با استقبال وسیع مردم مشهد رو برو گردید .

اخبار کاوگری جهان

اعتصاب ۸۶۰ هزار کارگر ژاپنی :

اخیراً دولت ژاپن قانونی وضع کرد ماست که به موجب آن کارگران حق اعتصاب ندارند . رهبران اتحادیه‌های کارگری ژاپن، برای مقابله با این قانون، به کارگران عضو اتحادیه دستور اعتصاب دادند . نخست وزیر ژاپن تهدید کرد که اگر کارگران اعتصاب کنند وی رهبران اتحادیه‌های

کارگری را سخت مجازات خواهد کرد . ولی کارگران علی‌رغم این تهدید دست به اعتصاب زدند . ۸۶۰ هزار کارگر خدمت‌ساز عمومی ، حمل و نقل و ارتباطات ژاپن روز ۴شنبه ۵ آذرماه دست از کار کشیدند . کارگران خطوط راه آهن شرکت‌های خصوصی نیز قصد شرکت در اعتصاب را داشتند ولی بدنبال مذاکره با رؤسای خود با آنان به توافق رسیدند . در نتیجه اعتصاب فوق ، ارتباطات پستی و تلفنی و تلگرافی مختل و فلج شد . نخست وزیر ژاپن از کارگران خواست که به سرکار خود بازگردند ولی کارگران این درخواست را رد کرده و موضع خود را برای رسیدن به هدف‌هایشان سخت‌تر کردند . اعتصاب کارگران ده روز طول کشید و میلیونها دلار ضرر متوجه رژیم سرمایه داری ژاپن شد . اعتصابیون گرچه نتوانستند به خواسته خود که گرفتن حق آزادی اعتصاب بود دست پیدا کنند ولی موضع خود را برای مبارزات آینده شان با سرمایه داران و دولت سرمایه داران تحکیم نمودند . آنها عملاً به دولت ژاپن و به سرمایه داران ژاپنی نشان دادند که چه آنها بخواهند و چه نخواهند ، وجه اعتصاب را با اصطلاح قانونی بدانند و چاره ندانند ، کارگران هر لحظه که بخواهند برای گرفتن حقوقشان از آنها ، اعتصاب و مبارزه خواهند کرد . آنها با این ترتیب اعلام کردند که هیچگاه مؤثرترین شیوه مبارزه شان را علیه سرمایه داران رهسان نخواهند کرد .

اعتصاب کارگران در اسپانیا :

روز دوشنبه ۱۵ دیماه گذشته صد هاتن از کارگران راه آهن زیرزمینی (مترو) در مادرید (پایتخت اسپانیا) برای

قیام کارگر ۵۸

افزایش دستمزدشان دست باعصاب زدند. پلیس با استفاد
از گاز اشک آور و دیگر وسائل سرکوب، سعی کرد کارگران را
متفرق نماید ولی کارگران متقابلاً با خرد کردن شیشه های
انباری که در آنجا اجتماع کرده بودند، حمله پلیس را خنثی
کردند. کارگران چندین کلیسا را اشغال کردند و بدولست
اسپانیا اخطار نمودند تا وقتی که به خواسته های عادلانه
آنها پاسخ مثبت داده نشود بسرکار خود باز نخواهند گشت.
دولت اسپانیا، اعتصاب کارگران راه آهن زیرزمینی را غیر
قانونی اعلام کرد و تهدید نمود در صورتیکه اعتصاب آنها پایان
نیابد کارگران را در دادگاههای نظامی محاکمه خواهد کرد.
اعتصاب کارگران راه آهن زیرزمینی، همه کارها را در
مادرید مختل نمود. موج اعتصاب به مؤسسات و کارخانجات
دیگر نیز کشیده شد. همچنین تعداد زیادی از مغازه داران
مادرید به حمایت از کارگران مغازه های خود را تعطیل
کردند. آنها همچنین در اجتماعی که برای حمایت از کارگران
تشکیل شده بود با شعارهای "آزادی" و "حمایت از کارگران
مترو" و "....." شرکت کردند.

اعتصاب عظیم کارگران مادرید که در ابتدا جنبه صرفاً
صنعی داشت و برای افزایش دستمزد بود، سپس جنبه های سیاسی
پیدا کرد و دولت سرمایه داری اسپانیا را مورد تهدید قرار داد.
بالاخره پس از ۴ روز، کارگران اعتصابی به پیروزی بزرگی
نائل شدند و سالی ۴۵۵ دلار (در حدود ۳۲۰۰ تومان) به
حقوقشان افزوده شد. ولی موج اعتصاب در کارخانجات دیگر
اسپانیا متوقف نشد و بنا به گزارش روزنامه های وابسته به رژیم

ضد کارگری اسپانیا، در پنجمین روز اعتصاب، ۶۰ هزار کارگر دست با اعتصاب زدند و ۴ کارخانه در مادرید بهمین دلیل تعطیل گردید. ولی خبرگزاری بی بی سی، ۲۰ از لندن طی گزارش خود تعداد اعتصابیون را تا ۲۰۰ هزار نفر ذکر نمود. این اعتصاب که از سالهای پیش در اسپانیا سابقه نداشت، برای مدت زیادی ادامه پیدا کرد و باعث بروز بحرانهای سیاسی و اقتصادی برای دولت ضد خلقی اسپانیا گردید. و در جریان اعتصاب که بیانگر خشم اعتراض آمیز کارگران نسبت به قوانین سرمایه داری حاکم و استثمار بی حد سرمایه داران بود، تعداد زیادی از کارگران دستگیر شدند.

اعتصاب کارگران کارخانه "کرایسلر" در انگلیس؛

در تاریخ ۱۱ بهمن ماه ۵۴ در حدود ۶۰۰۰ نفر از کارگران کارخانجات "کرایسلر موتورز" در انگلیس، به مدت سه روز دست با اعتصاب زدند. این کارخانه که وابسته به کارخانه "کرایسلر موتورز" آمریکا است بعلمت بحران در سرمایه داری غرب با خطر ورشکستگی رو برو شده است. دولت انگلیس برای نجات این شرکت طرحی تهیه کرده که فشار آن بر دوش کارگران است. این طرح که سود سرمایه داران را با ضرر کارگران تأمین میکرد با مقاومت کارگران رو برو شد و آنان با دست از کار کشیدن بمبارزه با آن برخاستند بطوریکه وزیر صنایع انگلیس هشدار داد که اگر روابط کارگری بهبود نیابد دولت، طرح خود را اجرا نخواهد کرد، چون اعتصابات متوالی کارگران طرح را با خطر شکست رو برو کرده است. هنگامیکه وزیر صنایع این سخنان را میگفت ۳۰۰ نفر از رهبران اتحادیه های

قیام کارگر

کارگری اسکاتلند در جلسه‌ای از کارگران خواستند که به اعتصاب ادامه دهند .

عقب نشینی حکومت تایلند در مقابل کارگران :

دولت تایلند در تاریخ ۱۶ دیمه ۵۴ اعلام کرد که در طرح خود که منجر به افزایش قیمت برنج و شکر شده است تجدید نظر میکند . این تصمیم حکومت تایلند بخاطر حل بحران بود که بدنبال اعتصاب ده هزار کارگر بوجود آمده بود . کارگران که به افزایش قیمت برنج بوسیله حکومت تایلند اعتراض داشتند در مقابل کاخ سلطنتی تایلند دست به اعتصاب زدند و آنرا تا موافقت حکومت تایلند با خواسته‌هایشان ادامه دادند .

اعتصاب ده هزار نفری در مقابل کاخ سلطنتی تایلند ، از طرف فدراسیون کارگری کشور که نمایندگی ۲۴ مؤسسه عظیم صنعتی تایلند را بعهده دارد سازمان یافته بود .

اقدامات ضد خلقی دولت ترکیه :

در اواخر آبان سال جاری رئیس حزب کارگران ترکیه ، بازداشت شد . دلیل بازداشت این فرد خودداری از دادن اسم اعضای حزب کارگران ترکیه به دادستان دیوان امنیت این کشور بود ! دادگاه همچنین اورا متهم کرده است که در حالیکه حزب کارگران با اتهام تبلیغات کمونیستی تحت تعقیب است ، مدارک جرم را پنهان کرده است !

عملیات انقلابیون آرژانتین :

* - در اوائل آبان سال جاری انقلابیون آرژانتین مدیر شعبه کارخانه ایتالیایی فیات را در آرژانتین ، در یکی از شهرها

این کشور کشتند . انقلابیون همچنین انفرادی را رها کرده و تهدید یکدیگر را به مجازات کردند . این افراد بد روح خود را از رهبران کارگران قلمداد میکردند . این عملیات انقلابی به حمایت از کارگران کارخانه فیات انجام گرفته است . چریکهای انقلابی خواستار پرداخت حقوق بر اساس تصمیمات اتحادیه کارگری به کارگران این کارخانه و همچنین جلوگیری از حمله پلیس به آنها بودند .

* — بدنبال اخراج ۲۰۰ نفر از کارگران بوسیله شعبه آرژانتینی مرسدس بنز، رزمندگان یکی از سازمانهای چریکی آرژانتین، مدیر آلمانی این کارخانه را ربودند . انقلابیون اعلام داشتند تنهاد صورتیکه کارگران اخراجی به سرکار برگردند حاضرند مدیر کارخانه را آزاد کنند . کمپانی مرسدس بنز اجباراً اعلام کرد که کارگران اخراجی را سرکار برمیگرداند . چریکهای انقلابی همچنین سه تقاضای دیگر داشتند که هنوز به آنها پاسخ داده نشده است . چریکهای انقلابی سالهاست که در آرژانتین به مبارزه با دولت سرمایه داری آرژانتین ادامه میدهند و تاکنون پیروزیهای بزرگی در حمایت از منافع کارگران و زحمتکشان آرژانتین بدست آورده اند .

اعتصاب در رم :

رفتگران رم (پایتخت ایتالیا) در اواخر آذرماه برای افزایش دستمزدهای خود دست به اعتصاب زدند . از چگونگی و وسعت اعتصاب اطلاع دقیقی در دست نیست .

کارگران با فشارهای حکومت صهیونیست، مبارزه میکنند :

دولت اشغالگر اسرائیل ، برای حفظ موجودیت تجار و زنگر

خود و مقابله با انقلاب فلسطین روز بروز فشارش را بر کارگران و زحمتکشان افزایش میدهد و هزینه سرسام آور عملیات تجاوز — کارگران به مبارزه با فشارهای دولت صهیونیستی برخاسته اند و موج اعتصابات در فلسطین اشغالی در حال گسترش است.

* — کارگران بند در ایلات در ساحل خلیج عقبه (در فلسطین اشغالی) روز ۵ ادیماه دست به اعتصاب زدند اعتصاب آنان برای اعتراض به تصمیم دولت در مورد تعطیل معادن مس بود. تعطیل این معادن منجر به بیکاری ۷۰۰ کارگر شده است.

* — کارگران شرکت "اجد" (بزرگترین شرکت حمل و نقل در فلسطین اشغالی) روز چهارشنبه اول بهمن دست به اعتصاب زدند. روز پنجشنبه حوادثی مخصوصاً در ایستگاه مرکزی اتوبوسها در تل آویو روی داد. رانندگان شرکت "اجد" راهپایان خیابانها بستند و چنان راه بند انسانی بوجود آمد که باز کردن آن پنج ساعت طول کشید. ضمناً تولید بسیاری از مسسات متوقف شد و یا کاهش یافت و عده بسیاری نتوانستند به سرکار برسند. بدنبال این حوادث دولت صهیونیستی در روز شنبه ۴ بهمن مقررات زمان جنگ را بکار گرفت. این مقررات آخرین بار در جنگ اکتبر ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل بکار گرفته شده بود. دولت تجاوزگر صهیونیستی با این ترتیب نشان داد که برای حفظ منافع امپریالیسم فرقی بین خلقهای عرب و اسرائیل قائل نیست و حاضر است جنایاتش را نه تنها علیه خلقهای عرب و مسلمان بلکه علیه

زحمتکشان یهود نیز تکرار کنند .

مبارزات کارگران جهان :

سازمان بین المللی کارروز چهارم آذرماه، اطلاع داد که در سال ۱۹۷۴ کارگران - در سراسر جهان - مجموعاً ۱۵۴ میلیون روز دست از کار کشیده و اعتصاب کرده اند . این مقدار نسبت به سال قبل یعنی ۱۹۷۳ ، ۳۰ درصد افزایش نشان میدهد (کارگران در سال ۱۹۷۳ ، ۱۲۰ میلیون روز اعتصاب کرده بودند) . تعداد کارگران اعتصابی در سال ۷۴ ، ۳۲/۵ میلیون نفر در سالهای ۷۳ و ۷۲ به ترتیب ۲۵ و ۲۲ - میلیون نفر بوده است . در سال ۱۹۷۴ ، کشورهای انگلیس ، استرالیا ، ژاپن و نروژ از جمله کشورهایی بودند که میزان رشد اعتصاب با تشان صد درصد بوده و تعداد روزهای اعتصاب به عدد و برابر سال قبل افزایش یافته بود .

رشد روزافزون اعتصابات و مبارزات کارگران در جهان بیش از هر چیز گویای بحرانی است که سرمایه داری جهانی را فرا گرفته است . بحرانی که تا روز ناپودی قاطع و همیشگی سرمایه داران - باستان توانای کارگران جهان - با آن همراه خواهد بود .

* یکی دیگر از جنایات سرمایه داران *

* و توطئه برای پوشاندن آن *

در تاریخ ۶/۱/۵۴ ، انفجار در یک معدن بزرگ ذغال سنگ در " بیهار " - ایالت شمال شرقی هند - فاجعه آفریده بیش از ۹۰۰ نفر از کارگران در دالانهای معدن گرفتار

و کشته شدند . انفجار در يك مخزن آب مجاور معدن نیز شکاف انداخته و سیل آب به داخل دالانهای معدن سرازیر شد . دولت سرمایه داری هند چنین وانمود میکند که ممکن است عده ای از کارگران زنده مانده باشند ! ولی کارشناسان معدن نظر دادند که حتی چنانچه افرادی از انفجار روبرویش اولیه معدن جان سالم بدر برده باشند ، رانش سیل آب و تجمع گاز کربنیک در دالانها خفه شده اند . این یکی از فجیع ترین حوادث معدنی در جهان بشمار میرود که در آن بیش از ۹۰۰ نفر از کارگران زحمتکش معدن شهید شدند .

دولت سرمایه داری هند که از انعکاس این فاجعه در بین کارگران و زحمتکشان وحشت زده بود سعی کرد از انتشار وسیع خبر جلوگیری کند . يك خیرگزاری از هند در نخستین گزارشهای حادثه از قول دکتر " جاگات مشرا " فرماندار بیهار ، اعلام کرد که ۹۰۰ معدنچی مدفون شده اند و تلفات سنگینی بر جای مانده است . اما اداره " سانسور " هند به این خبرگزاری دستور داد گزارش اصلی را حذف کند و بجای آن خبری در مورد این حادثه که " تعدادی معدنچی مدفون شده اند " را منتشر سازد . بیانیه ای که از طرف مقامات رسمی در " پانتا " (پایتخت ایالت بیهار) و توسط دفتر مطبوعاتی انتشار یافت از تعداد مردانی که مدفون شده بودند و همینطور از انفجار مذکور بمیان نیاورده ، در این بیانیه تنها گفته شده : " خبرهای عصر امروز حاکی است که به علت حوادثی که بدنبال ریزش معدن بوقوع پیوسته است ، تعدادی از معدنچیان در معدن ذغال سنگ " چاس پالا " در شهر " دهنبار " بدام افتاده اند . " منابع نزدیک به دولت

هند گفتند که دولت نمیخواهد اطلاعاتی دربارهٔ تعداد مدفون شدگان در هند منتشر شود زیرا سبب میشود "شرکت دولتی" مسئول این حادثه شناخته شود. دولت سرمایه‌داری هند وقتی از این کوششها برای پوشاندن جنایتش نتیجه‌ای نگرفت توطئهٔ دیگری بکار بست. دولت ضد کارگری در ابتدا سعی کرد با پرداختن غرامت ناچیزی به بازماندگان کارگران شهید، سر و ته قضیه را بهم بیاورد. سپس "گاندی" نخست وزیر هند هایشوی بر اهانداخت که گویا "هندوستان را خطر بیگانگان تهدید میکند." و بیگانگان برای سرنگون کردن دولت او توطئه کرده‌اند. و "و" "ا" بدین ترتیب دولت سرمایه‌داری هند خواست با بزرگ کردن یک خطر خیالی، توجه زحمتکشان هند را از جنایتی که مرتکب شده بود، منحرف سازد.

این یک شیوهٔ شناخته شدهٔ سرمایه‌داران و دولت سرمایه‌داری است که با بر اهانداختن جنجال‌های تبلیغاتی، بر جنایات خود سربوش میگذارند؛ همچنانکه دولت شاه نیز تاکنون بارها و بارها این توطئه را علیه زحمتکشان ایران بکار برده است.

" ناپود باد توطئه‌های ضد کارگری سرمایه‌داران "

* * *
* *
*

بررسی عمل و عکس العمل

حمایت مسلحانه مجاهدین خلق

از

اعتصابات کارگران

(در بهار ۵۳)

در شماره قبل راجع به اعتصاب کارگران گروه تولیدی ایران بحث کردیم. سازمان مابدنبال این اعتصاب و همچنین اعتصابات کارگران جیب لند روزه دست به چند عمل انفجاری در حمایت از اقدامات حق طلبانه کارگران زد. خبر این عملیات در همان زمان در یک اعلامیه نظامی بشرح زیر به اطلاع کارگران و دیگر طبقات خلقی رسید.

* * *

اعلامیه نظامی درباره :

عملیات انفجاری مجاهدین خلق

به پشتیبانی از :

اعتصابات خشم آلود کارگران

چند واحد چریکی از سازمان مجاهدین خلق ایران در چند عمل بمب گذاری علیه مراکز کارخانجات متعلق به سرمایه داران آمریکائی - اسرائیلی و وابستگان ایرانی آنها، شاه خائن و طبقه حاکمه پشتیبانی مجاهدین خلق را از مبارزات اوچ - گیرنده کارگران ایران اعلام داشتند. بخصوص این عملیات در رابطه با اعتصابات خشم آلود و مقاومت خونین کارگران مبارز

کارخانجات جیب لند رور و ایرانا و اعتراض آنان علیه غارت و استثمار سرمایه داران صورت گرفت. این عملیات عبارت بودند از:

۱ - انفجار پاسگاه ژاندارمری کاروانسرا سنگ در ساعت سه و پانزده دقیقه ۲۹ خرداد ۰ این پاسگاه نقش فعالی در سرکوب کارگران داشت. این انفجار هرچه بیشتر ماهیت ضد کارگری رژیم شاه جنایتکار را آشکار ساخت.

۲ - انفجار همزمان سه بمب در نمایشگاه و اداره مرکزی شرکت اسرائیلی ایرانا واقع در خیابان نادرشاه در ساعت دوازده و سی دقیقه سه شنبه ۴ تیرماه ۰ و بمب اول هشدار دهنده بود و برای جلوگیری از وارد شدن خطرات جانی به مردم کار گذاشته شد و بمب نیرومند سم که بخصوص در ساختمان هیئت مدیره قرار داده شده بود، خسارات فراوانی ببار آورد.

۳ - انفجار تأسیسات برق کارخانجات اسرائیلی ایرانا واقع در جاده کرج در ساعت چهار و سی دقیقه صبح ۰

۴ - انفجار وانهدام کامل تأسیسات برق کارخانه جیب لند رور واقع در جاده کرج در همان ساعت. در کلیه این عملیات بواسطه رعایت های مجاهدین بخصوص رعایت زمان و مکان انفجار هیچ صدمه ای به کارگران وارد نیامد و مجاهدین نیز سالم به پایگاه مراجعت نمودند.

شکوفان بساد مبارزات حق طلبانه کارگران
نابود باد رژیم ضد خلقی - ضد کارگری شاه جنایتکار
پیروز باد مبارزه مسلحانه، تنه راه رهائی خلق

” سازمان مجاهدین خلق ایران ”

تیرماه ۱۳۵۳

هدف ما از اجرای يك سلسله عملیات نظامی در حمایت از
اعتصابات کارگران چه بود ؟

تجربهٔ سالها کار مخفی سیاسی و چندین سال کار مستقیم
سیاسی در نظامی، بعامی آموخت که جنبش مسلحانهٔ پیشتاز
نمیتواند بدون تماس مشخص با مبارزهٔ "روزمرهٔ کارگران"،
بدون تماس مشخص با مبارزهٔ ای که هم اکنون بطور اساسی در اشکال
صنعی - اقتصادی در جریان است؛ تأثیری روبه جلو در
جنبش خود بخودی این طبقه، در جهت هر چه بیشتر سیاسی
شدن آن بگذارد و متقابلاً این نکته نیز روشن بود که در صورت
عدم وجود چنین تماس جنبش مسلحانه نمیتواند قدمی به سمت
توده‌های شدن بردارد. (*) همچنین این تجربیات بـمـسـا
نشان میداد که یکی از "وسائل این تماس مشخص" و در واقع
یکی از بهترین این "وسائل" عبارتست از حمایت مسلحانه از
مبارزهٔ "روزمرهٔ آنها، ارتباط گرفتن با "جنبش خود بخودی"
آنها از طریق اعمال قهر انقلابی پیشتاز در جهت تأیید این
مبارزه (که مسلماً در ابتدا در شکل صنفی - اقتصادی ظاهر
میشود) و جهت دادن آن به سمت هدفهای اساسی تر جنبش مسلحانه

(*) - راجع به وسائل تماس بین جنبش مسلحانه و جنبش خود

بخودی طبقهٔ کارگر و برخورد عملی ما با این مسئله در سرمقالهٔ

شمارهٔ يك قیام صحبت کردیم .

(**) - البته این حمایت بمعنی "دنباله‌روی" از "جنبش

خود بخودی" کارگران، آنچنانکه شیوهٔ اکونومیستهاست،

نیست. محتوای مسلحانهٔ عمل نیز

دلیل روشن این امر است.

بدین قرار داد و هدف مستقل و در عین حال مرتبط بهم را در این عملیات دنبال می‌کردیم . این هدف عبارت بود از :

۱ - بردن تئوری تبلیغ مسلحانه به میان این طبقه از طریق تماس با "جنبش خود بخودی" و در اینجا از طریق حمایت مسلح از مبارزه روزمره صنفی - اقتصادی آنها .

۲ - برآورد نظرات، عکس العملها و موضعگیری اقدسار مختلف کارگری بمنظور رد عمیقتر مرحله و مضمون فعلی مبارزات طبقه کارگرایران و غنی تر نمودن تئوریهای اولیه خود در جریان عمل مستقیم .

در واقع چنین حمایت مسلحانه‌ای بخصوص در آن زمان بمسأله اجازه میداد که از نظرات و عکس العملهای کارگران در این باره آگاه شویم و بدین ترتیب بتوانیم آنچه را که در تئوری بدان رسیده بودیم در عمل پیاده کنیم و بدین ترتیب قدمهای خود را اصلاح نمائیم . چنین عملی باعث میشد (که در عمل هم دیدیم شد) کارگران به اظهار نظر پردازند و در مورد این انفجارات بحث و گفتگو نمایند و ما با استفاده از این فرصت میتوانستیم تجربه‌های دیگر در شناخت صحیح "جنبش خود بخودی" کارگران بدست آوریم و بالطبع این تجربه در کنار سایر تجربیات ما در این زمینه میتواندست ما را به شناخت صحیح تری از طبقه کارگر و مبارزات آنان رهنمون شود .

* * *

در رابطه با هدفهای فوق الذکر ما منتظر فرصت مناسبی بودیم که دست بعمل بزنیم .
در اوائل سال ۵۳ بخاطر سرازیر شدن پولهای کلان نفت

به بازار، تورم بشدت تشدید گردید قیمت وسائل اولیه و لازم زندگی بسرعت بالا رفت. قربانی چنین وضعی (تورم) مثل همیشه و مثل همه کشورهای سرمایه داری طبقات زحمتکش و بخصوص کارگران بودند. در حالیکه قیمتها بسرعت بالا رفته بود، مزد کارگران ثابت مانده و پیاپی — بسیار کمتر از بالا رفتن قیمتها — بالا رفته بود. (*)

عکس العمل يك چنین فشاری بر کارگران بصورت اعتصابات گستردهای از طرف آنان از اوائل بهار ۵۳ آغاز گردید. در خرداد ۵۳ این اعتصابات، با اعتصاب همزمان کارگران کارخانجات کفش ملی، ایرانا، جیب لند رور، پالایشگاه تهران و با وج خود رسید و رژیم نیز طبق معمول سرکوب وحشیانه این اعتصابات را شروع کرد. در ادامه این موج اعتصاب و مقاومت

(*) مطابق آمارهاییکه از طرف خود دولت شاه خائن منتشر شد، در سال گذشته در حالیکه نرخ تورم ۲۲ درصد افزایش داشته است، افزایش درآمد و قدرت خرید توده مردم فقط ۱۷ درصد بیشتر شده است. حال اگر توجه کنیم که افزایش درآمد و قدرت خرید قشرهای فوقانی خرد بورژوازی از جمله کارمندان سطح بالا، ارتش و مدیران صنایع و همواره بالاتر رفته و نرخ افزایش حقوق و درآمد آنها بیشتر از نرخ تورم است. نتیجه خواهیم گرفت که کاهش قدرت خرید قشرهای پائینی جامعه یعنی زحمتکشان شهر و ده و مخصوصاً کارگران، رقمی بمراتب بیشتر از تفاوت این دو رقم (۱۷ و ۲۲) یعنی بمراتب بیشتر از ۵ درصد بوده است.

خونین کارگران بود که سازمان ما با شناسائی های قبلی
 عملیات نظامی خود را انجام داد .
عکس العمل رژیم در مقابل عملیات ما :

این اعتصابات نسبتاً گسترده که از سال ۴۰ به بعد بیسابقه
 بود، نشانهٔ اوج تازه‌ای در "جنبش کارگری" ایران بود .
 همچنین حمایت مسلحانهٔ سازمان ما از این اعتصابات که در
 نوع خود از آغاز مبارزهٔ مسلحانه تا آن زمان بیسابقه بود نیز
 نشانه‌ای از تکامل سیاسی جنبش مسلحانه‌ی خلق بشمار میرفت .
 این اوج جنبش کارگری از یکطرف ورشد سیاسی جنبش مسلحانه
 از طرف دیگر، رژیم ضد کارگری شاه خائن را که بشدت از حمایت
 کارگران از انقلابیون در ره‌راس بوده و از پیوند ما بین جنبش
 مسلحانه‌ی پیشتانزو مبارزه‌ی حق طلبانه‌ی طبقه‌ی کارگر وحشت
 دارد، به تکاپو انداخت . دولت ضد کارگری بلافاصله اقدامات
 امنیتی - نظامی و تره‌ای را - برای دستگیری انقلابیون، جلوگیری
 از عملیات بعدی و همچنین اوجگیری دوباره‌ی اعتصابات
 کارگران - به اجراء آورد . او همچنین به یک سری اعمال
 فریبکارانه و تبلیغاتی دست زد تا کارگران را نسبت به انقلابیون
 بد بین ساخته و از اثرات مثبت حمایت مسلحانه‌ی ما از
 اعتصابات حق طلبانه‌ی کارگران بکاهد .

برخی از این اقدامات دولت مزدور شاه به شرح زیر بود :
 پس از انفجار رد فتر مرکزی و پست برق ایرانا و پست برق
 جیب لندن رور اقدامات شدید امنیتی در کارخانه‌ی ایرانا و جیب
 لندن رور به عمل می‌آید و به قرار اطلاع همهٔ دنبال عملیات مادر
 کارخانهٔ ایرانا نزدیک به ۲۰۰ سرباز به فرماندهی یک سرهنگ

با تجهیزات نظامی مستقر میشوند و کارگران شیفت دوم را در حین ورود به کارخانه بازرسی بدنی کرده و کارت آنها را مهر میزنند. (*) چند روزی ژاندارمها با مسلسل سبک در ورتان ورود داخل کارخانه را بشدت تحت نظر میگیرند. آنها با رفت و آمد مداوم خود، شدیداً به مراقبت از کارگران میپردازند و بعضی از کارگران و عابرین را که از آن حد رد میگذشتند مورد بازجویی قرار میدهند. با اینکه حتی جیب کارگران را در موقع ورود به کارخانه و قسمت اداری مورد تفتیش قرار میدهند، چند نفری نیز سر میزنند و شام کارگران مواظب صحبتهای آنها بودند تا سرخس بدست آورند. در کارخانه‌ی جیب‌لند روزی در روز انفجار کارگران را صبح به خانه میفرستند و کارخانه را تعطیل میکنند و سرایان در کارخانه مستقر میشوند.

عکس العمل کارگران در مورد عملیات انفجاری :

ما پس از اجرای این عملیات - برای برآورد نظرات، عکس العملها و موضعگیری اقشار مختلف کارگری نسبت به این عملیات، به منظور یک عمیقتر مرحله و مضمون فعلی مبارزات طبقه کارگر ایران و غنی تر نمودن تئوریهای اولیه‌ی خود - با عسکرها‌ی از کارگران به صحبت نشستیم. (قابل تذکر است که این کار قبل از پخش اعلامیه‌ی توضیحی صورت گرفت) بطور کلی سه نظر مشخص از طرف رفقای کارگر ابراز میشد :

(*) - در بعضی از کارخانه‌های دیگر نیز پس از این عمل انفجاری، اقدامات امنیتی بعمل میآید و کارگران هنگام ورود مورد بازرسی شدید قرار میگیرند.

نظراول - نظر آند سته از کارگرانی که از عمل ما استقبال کردند .
 نظردوم - نظر آند سته از کارگرانی که از عمل ما استقبال نکردند .
 نظرسوم - نظر آند سته از کارگرانی که بنا به عللی حاضر به
 بحث با ما درباره این موضوع نبودند .

۱ - نظر کارگرانی که از عمل ما استقبال کردند ؛ این عده
 از کارگران در عین استقبال از عمل انفجارد و نوع نظرداشتند .
 عد های از این رفقای کارگرانرا عمل انقلابیون و عد های دیگر آنرا
 کار کارگران اخراجی (ایرانا - لندرور) میدانستند ؛ (*)
 الف - اظهار نظر کارگرانی که از عمل استقبال کرده و آنرا
 از ناحیه انقلابیون میدانستند ؛

د و سه روز پس از عمل انفجاری با کارگری در این باره
 صحبت کردیم . (۱) (۲) این رفیق کارگر چنین میگفت :

(*) - در جریان اعتصاب کارگران این دو کارخانه عده های از
 کارگران فعال اخراج شدند .

(۱) - از آنجا که نوع اظهار نظرات به عوامل زیر بنایی و رو بنایی
 متعددی در رد و رون طبقه کارگر بستگی دارد و هیچگاه مانعیتوانیم
 بدون نظر گرفتن این عوامل به تحلیل درستی از طبقه کارگر برسیم
 واقشای مختلف آنرا بشناسیم . ما سعی میکنیم در حد اطلاعات خود
 سن ، سابقه کار ، وضعیت شغلی ، طرز تفکر ، میزان سواد و . . .
 هر یک از این کارگران را مشخص کنیم .

(۲) - این کارگر ۳۵ - ۳۰ ساله که سالیان دراز در کارخانه های
 نخ رسی است شمارشده ، بیسواد است ، جنبه های مترقی مذ هب را قبول
 دارد . در تظاهرات ۵۵ خرداد شرکت داشته و تا حدی دید سیاسی
 دارد . (بمفهوم د مکرراتیک آن) .

"توی این مملکت جانورهائی پیدا میشود که حساب ندارد . برای آنها هیچ کاری نشد ندارد . جانورهائی که میخواهند خانواده شاه راز برور کنند (اشاره به گروه شهید گل سرخی) . . . دیگر این کارها (انفجار پاسگاه و . . .) برایشان مثل آب خوردن است . بگذار هر کاری که دلشان میخواهد بکنند . شاید لا اقل اینها يك کاری بکنند . ما که نتوانستیم . اگر زندگی اینه (در حالیکه به شام خود که اندکی برنج خشک و مانده بود ، اشاره میکرد) بگذار همین هم نباشه ؛ رئیس پاسگاه هم نباشه . . . "

کارگر دیگری چنین میگفت : (*) " همش دروغ میگویند ، میخواهند مردم را گول بزنند . پس اینکه گفته میشود خرابکارها (چریکها) راقلع و قمع کردیم چی شد ؟ پس اینها چیست ؟ اینها پشتیبان کارگرند . میگویند چرا کارگر جان بکند و حق او را يك مشت شازده الدنگ بخورند و . . . اگر پلیس ایران قوی نمیبوده حالا همه کارگرها به پشتیبانی آنها شتافته بودند و . . . "

این کارگرازانکه مبادا بعب پاسگاه به سرریزی آسیب رسانده باشد نگران بود . این کارگر آگاه با سخنان تأیید آمیز خود در عین حال به یاوه های تبلیغاتی رژیم که گاه و بیگاه اعلام میکند تمام چریکها (* *) را از بین بردیم و اله و بله کردیم ، پی برده بود . نکته دیگر حرفهای این رفیق کارگر اشاره به قدرتی است که

(*) - این کارگر ۷ - ۶ سال است که در کارخانجات مختلف استثمار میشود . او يك کارگر نیمه ماهر و مجرد است و در کلاس شبانه درس میخواند .

(* *) - البته رژیم چریکها را خرابکار یا تروریست مینامد .

رژیم به توسط آن ارتباط وسیع جنبش مسلحانه با طبقه کارگر را دچار اشکال کرده است . (سیستم پلیسی)
 کارگر آگاه دیگری چنین می گفت : " در یکی از کارخانه ها کارت کارخانه را جعل کرده و بداخل آن رخنه کرده اند و پس از مراجعت کارخانه منفجر شده است که البته چون حساب شده بمبها را کار گذاشته بودند ، به کارگران آسیبی نرسیده بود . " او سپس از اینکه دولت چگونه و با چه شیوه ای قادر است جلوس انقلابیون را بگیرد و تعجب بود .

کارگر دیگری با مبالغه از کارچریکها صحبت میکرد . او سعی داشت با بزرگ کردن کارچریکها اهمیت آنرا به کارگران دیگر حالی کند . او می گفت : " نارنجك و بعب قاچاق است و فقط ارتش از آنها دارد . اگر يك اسلحه از آدم بگیرند پدرش را در می آورند ، وای که نارنجك بگیرند ! " منظور او این بود که ببینید اینها (چریکها) چه آدمهایی هستند که میتوانند اسلحه و بمب را بدست آورده و بکار ببرند . (*)

کارگری می گفت : " کسیکه با حرف حساب توی راه نیاید باید با زور توی راهش آورد . اینقدر خواهش ، التماس کردند تا مقدار کمی به حقوق آنها اضافه شود . بخر جش نرفت . اعتصاب هم کردند اینطوری جواب داد . حالا باید با این عملیات حالیش کرد که حق کارگر با این گرانی (هزینه زندگی) یعنی چه ؟ " ۰۰۰

(*) — در ضمن او به عملیات انفجاری مجاهدین در موقع آمدن سلطان قابوس پادشاه عمان اشاره کرد و از آن تعریف میکرد . او اعلامیه ما را در این مورد خوانده بود .

کارگری از کارگران ایرانا در عین حال که از این عمل استقبال کرده بود انتظار بیشتری داشت، او میگفت: "خوب بود قسمت اداری کارخانه را با خاک یکسان کنند"؛ در مقابل حرف یاوه، بعضیها که میگویند اریه چند صد خانوار رانان میدهند میگفت: "خدا ایک لقمه نان را هر طور باشد میرساند".

ب - اظهار نظر کارگرانی که در عین استقبال از عمل آنرا کار کارگران اخراجی میدانستند:

د و کارگری این موضوع داشتند بحث میکردند، اولی استدلال میکرد که اینکار، کار دشمنان ایران است (۱) و لی کارگردیگر در حالیکه میخندید و بهوا میپزد در جواب اولی که میپرسید یعنی این کار، کار کارگراست؟ میگوید: "نه کار همردیفهای کارگر و یک ردیف بالاتر از کارگراست" (۲).

وقتی به خانه، د و نفر از کارگران ایرانا رفتم، اولین صحبت، جریان انفجار رد فتر مرکزی و کارخانه ایرانا بود. احساس غرور و هیجان زیادی را دیده میشد. یکی از کارگران در حالیکه مشغول شام خوردن بازن و بچه بود بدون معطلی و بعنوان مؤدب، با حالتی افتخار آمیز بمن گفت: "د و طبقه دفتر مرکزی و قسمتی از کارخانه را شربیب فرو ریخته است." این رفیق کارگر در پاسخ به این شایعه که کار، کار خود اریه است؛ میگوید:

(۱) - بعد از رمورد ماهیت صحبت این کارگر بحث خواهیم کرد.

(۲) - این کارگر، یک کارگرساده بود که سابقه کارگری زیادی داشت.

"کجا کار خود شه! افراد پرمغزی را بیرون کرد و . . . هر چه باشه زیر سر اینهاست." او در تأیید سخنان خود چنین میگفت: "چند نفر از کارگران اخراجی برای گرفتن رضایت نامه پیش اریه رفتنند. در ضمن بعضی نیز با خود برد هاند و پس اریه گفته اند اگر رضایت ندهی برایت گران تمام میشود."

اریه رضایت نداد و پس از رفتن کارگران، ساختمان منفجر شد. آنها میخواستند خود اریه را هم بکشند.

این انفجار شفع کارگرانی تمام شد که فعلاً کار میکنند. زیرا کارفرمایان حساب کار خود شان را میکنند که اگر با کارگر بسا خشونت رفتار شود، کارگرنیز مجبور است دست به خشونت بزند و باینصورت با کارفرما در بیفتد."

در مورد انفجار رست برق لندن روز، باین کارگر زحمتکش ایسن کارخانه صحبت کردم. نخست زن این رفیق کارگر چنین گفت: "برق کارخانه را آتش زد هاند. کارفرما صبح بسا کارگران کارخانه گفته بروید خانه حقوقتان را میدهم." این زن زحمتکش با خوشحالی و در حالیکه بهیجان آمده بود ادامه میدهد: ". . . ظلم، ظلم، آخرش اینست مگر شوخیه. اینهمه حق کارگر را میخورند. . . خود کارگرد رحالیکه خوشحال بود چنین میگفت: ". . . فشار قوی کارخانه را از بین برد هاند مثل ذغال سیاه شده، بمب کار گذاشته اند. . . هر که بوده طرفدار حق بوده و. . . حساب کار را طوری کرده که به کارگران لطمه ای نخورد. مال ماهیج، مرکز برق ایرانا بسا ساختمانش ذغال شده است. بکارگر ظلم کردند. . . بکن برجبهان فخر ای کارگر - که حق تو را میخورند مثل خسر. حالا طرفداران کارگر میخواهند

بگویند دستهای دست شما قویتر هم هست... فعلاً در کارخانه... حکومت نظامی است."

۲ - اظهار نظر کارگرانیکه از عمل ما استقبال نکردند :
الف - عده‌ای از کارگران میگفتند که این عمل را خود اریه کرده که حق کارگر را بخورد !

کارگری میگفت : " دیدی مادر فلان... چه بر سر کارگر آورد ! این کار را کرد که کارگر را زود تر بتواند بیرون کنند... حق و مزایای او را بالا بکشد و... ولی آخر کار گرمی فهمد خواهشش را... کارخانه ایران ناسیونال به اریه گفته : " خاک بر سر تقاضاهای آنها را ندادی تا اعتصاب کردند... این وضع را بوجود آوردی حالا کارگران ما هم ساکت نیستند... همش بهانه اعتصاب میگیرند... "

دو سه نفر از کارگران دلیل اینکه این کار را خود اریه کرده چنین میگفتند : " دفتر مرکزی که در وننگهبان دارد، چگونه میتوان از میان د وننگهبان عبور کرد... لذا کار خود اریه است، تا بدین ترتیب کارگران را متهم به اختلالگری نماید و کارهای ضد کارگری خود را درست جلوه دهد... "

کارگر دیگری چنین اظهار نظر میکرد : " کار، کار خود شونه کارگزار کجا بمب میتونه تهیه کنه؟ تازه اگر اینکار را کرده باشه، چرا اونجا گذاشته، میگذاشت توی کوره، لا اقل ۷-۶ میلیون تومان ضرر بهش بخورد... کار خرابکارها هم نیست... بمبها درست وقتی منفجر شد که هیچیک از کارگران آن نزد یکیها نبودند... حتی یکی از آنها هم آسیب نرسید ! اگر خرابکارها میبودند، وقتی میگذاشتند که تمام کارگران را نابود کنند ! "

نه وقتیکه حتی بیکی هم آسیبی نرسد!" (*)

ب - عده‌ای از کارگران نیز در مورد انفجار نظراتی مخالف به اشکال دیگری داشتند :

يك کارگر بجا می‌گفت: "ایران دشمن زیاد دارد . این کار ، کار آنهاست . " این کارگران حرف را به این دلیل می‌زد که در آن زمان بین دولت ایران و دولت عراق اختلاف بود و رادیو و تلویزیون و مطبوعات رژیم داعما علیه عراق و اینکه خرابکار تربیت کرده و به ایران می‌فرستند ، های و هوی براه انداخته بودند . چنین تبلیغات دروغینی بود که این کارگر را وادار به چنین اظهار نظری میکرد .

کارگری نیز از اینکه مباد انفجار پاسگاه به سر بازان آسیب رسانده باشد ، ناراحت بود .

۳ - عده‌ای از کارگران از اظهار نظر خود داری میکردند :
چند کارگر کفش بلا که اغلب کارگر روستائی (تازه از روستا آمده) و بیسواد بودند در مورد انفجار پاسگاه حرفهائی می‌زدند و خود انفجار را تشریح میکردند . ولی در مورد آن هیچگونه اظهار نظری نمی‌کردند . علت این کار آن بود که آنان رابطه شخص بین مسائل خود و این انفجار احساس نمی‌کردند و همین دلیل کوششی نیز برای درك علت آن نداشتند .
کارگر دیگری از کفش بلا که انفجار پاسگاه را شنیده بود ،

(*) - نکته‌ای که در سخنان این کارگر دیده میشود اینست که او تحت تأثیر تبلیغات دروغ و افتراهای بیشماری است که رژیم داعما علیه انقلابیون بکار می‌برد .

قیام کارگر _____ ۸۰
تنها راجع به تکلیف بمب اشاره میکرد ولی آنرا اشتباه تشریح
میکرد. او یک سرپرست طرفدار کارفرما بود. او نیز در مقابل
عمل، بی تفاوت بود.

کارگرد یگری از کفش پلا جریان انفجار پاسگاه را برایم
تعریف کرد. در مقابل این سؤال که علتش چیست؟ گفت:
"علتش را نمیدانم." وقتی پرسیدم کارگران دیگر چه میگفتند؟ گفت:
"این حرفها را بهم نمیگویند. چون این مثل حکایت پدرت مرد
میباشد." (*)

این کارگرا این سخنان خود ترس بعضی از کارگران را از اظهار
نظر در این مورد منعکس میسازد. بدین ترتیب می بینیم عده ای بخاطر
اینکه احیانا توسط عمال رژیم به در سر نیفتند، از اظهار نظر
خودداری میکنند. *

"تحلیل موضع گیریهای مختلف رفقای کارگر" (۱)

۱- کارگرانی که از عملیات ما استقبال کردند ؛
الف- دسته ای از رفقای کارگر که از عمل ما استقبال کرده و

(*) - مردی مرده بود. یک نفر به پسر آن مرد اطلاع میدهد
که پدرت مرده. پسر فوراً یقه آن مرد را میگیرد و میگوید:
"قبرش کجاست"

(۱) - البته این تحلیل با توجه به تجارب دیگر ما (که حاصل
برخورد عینی ما با طبقه کارگر است) انجام گرفته و نباید تصور
کرد که ما صرفا با انجام چند عمل نظامی و صحبت با چند نفر
کارگر این نتایج را بدست آوردیم.

و آنرا از ناحیه انقلابیون میدانستند :

این دسته از رفقا تا حد کمی از آگاهی سیاسی (*) برخوردار بودند و به همین علت نسبت به انقلابیون سمپاتی (علاقه) قبلی داشتند . آنان در این عمل نیز وقتی حمایت عملی جنبش مسلحانه را از مبارزات خود مشاهده میکنند ، این علاقه و حمایت خود را از چریکها ابراز میداشتند . البته حمایت آنان در اینجا صرفاً يك حمایت "معنوی و عاطفی" است و دلیل عدم تماس جنبش مسلحانه با جنبش کارگری هنوز عمق لازم را ندارد . حتی بعضی از این کارگران ، انقلابیون را بهمان اسمی که رژیم مینامد یعنی "خرابکار" مینامیدند . اکثر این کارگران در مورد عمل ماد چار زهنی گزاشی بودند و سعی میکردند انقلابیون را بزرگ جلوه دهند و با کلماتی مثل : "عجوبه" و "۰۰۰ اینکار را میکردند" این بدان جهت بود که این رفقا در خود قدرت انجام چنین عملی را امید میدادند .

ب - دسته دیگر از رفقای کارگر که از عملیات مسلحانه استقبال کرده و آنرا از ناحیه رفقای اخراجی خود میدانند :

این دسته از کارگران پس از شکست در اعتصاب از يك طرف از خشم بی حد نسبت به "اریه" و "اخوان" (صاحبان ایرانا و جیب لند رور) و ژاندارمها و وزارت کار و ۰۰۰۰۰۰ بربیزند و از طرف دیگر شکست در اعتصاب نتوانسته اعتماد آنها را نسبت به رهبران خود (رهبران اعتصاب) و بطور کلی نسبت به صلاحیت

(*) - البته آگاهی سیاسی ب مفهوم د مکرانیك آن

ونه مفهوم سوسیالیستی اش .

و قدرت طبقاتی خود ازین پیرد (۱) (که این خود نشانه پیشرو بودن این کارگران است) و بهمین دلیل عمل مسلحانه میتواند پاسخی باشد به تعایلات مبارزه جویانه این دسته از کارگران . بطوریکه آنان خیلی فوری و بی هیچ تردیدی عمل مسلحانه را شکل دیگری از مبارزه خود ، شکل دیگری از ادامه مبارزه حق طلبانه صنفی - اقتصادی خود ، تلقی میکنند و اعلام میدارند : " این سزای آن حق کشی هائی است که در مورد ما میشود . . . " این است جواب رهبران اعتصاب سابقه اریه ها و . . . "

استقبال این دسته از کارگران از عمل مسلحانه در رابطه با مبارزات روزمره خود که در واقع بیانگر نقطه نظر پیشروترین کارگران فعال و مبارز (در امور صنفی) است ، (اینرا تجارب عینی مادر دیگر کارخانجات و در برخورد با کارگران آگاه - از نظر صنفی - تأیید میکند) بخوبی ثابت میکند که جنبش مسلحانه پیشتاز میتواند برای تماس با " جنبش خود بخودی کارگران " از عمل مسلحانه تبلیغی بعنوان یکی از مهمترین وسائل ارتباط سیاسی استفاده کند . بعبارت دیگر حمایت فوری این دسته از کارگران ، از عمل مسلحانه ای که در رابطه با منافع آنان صورت گرفت (در حالیکه محتوا و پیام آن کاملاً " سیاسی بود) ، مخصوصاً ابراز این درک که این عمل از سوی خودشان - از طرف همان رهبران اخراجیسی

(۱) - در حالیکه بعضی از کارگران پس از شکست در اعتصاب امید خود را از دست دادند و میدان را در دست در اختیار اریه و " اخوان " میدیدند (مراجعه شود به اظهار نظر دسته دوم از کارگران) .

اعتصاب خود شان - صورت گرفته است، نشان میدهد که علیرغم سطح نازل جنبش کارگری و درخواستهای محدود صنفی - اقتصادی آن، عمل مسلحانه، پیشتاز - چنانکه هدف به نحو صحیح انتخاب و سازماندهی شود - نه تنها میتواند حمایت کارگران را برانگیزد، بلکه از آن مهمتر میتواند فاصله مسایین مضمون بالای سیاسی عمل مسلحانه، پیشتاز و مضمون نازل صنفی - اقتصادی مبارزات کارگری را، بدون آنکه مجبور به دنبال روی از آن شود، برگرداند و به مرور به صورت ادامه، منطقی و سیاسی رشد و تکامل مبارزه صنفی - اقتصادی آنها درآید. در اینجا توضیح بیشتری ضروریست. این توضیح را میتوان با جواب این سؤال مطرح کرد چگونه میتوان، مضمون (و محتوای) جنبش کارگری ایران را اساساً صنفی - اقتصادی دانست و حتی سطح درخواست های روزمره آنان را، محدود و نازل توصیف کرد. با اینحال "عمل مسلحانه" را بعنوان یکی از وسائل مهم ارتباط سیاسی مابین جنبش انقلابی و جنبش خود بخودی طبقه و در یک مرحله، بعد به عنوان ادامه، منطقی سیاسی و آگاهانه، این جنبش (جنبش خود بخودی) مورد تأکید قرار داد؟

جواب روشن است. مانه تنها نظر سؤال کننده را در باره به واقعیت درخشان نتایج عملی این سیاست یعنی درک و پذیرشی که این بخش از کارگران نسبت به محتوا و معنای سیاسی این عملیات نشان داد، ماند، جلب میکنیم (علیرغم اینکه در باره خود آنها ماهیت کاملاً اقتصادی داشت) بلکه آموزش اساسی، لنینی را جمع به تفاوت مابین سیاست اتحادیه‌های (سیاسی) تر دیونیونیستی) و سیاست انقلابی سوسیالیستی را از یک طرف

و انطباق معنای اخیر را با شرایط خاص میهنی که تبلیغ مسلحانه^۴ پیشتازان رصد روژائف کمونیستهای انقلابی ایران قرار مید هد^۵ از طرف دیگر با و خاطر نشان میکنیم^۶ بدینقرار، عمل مسلحانه^۷ پیشتازنه تنها زمینه^۸ مساعد تری را برای افشاگری هرگونه ستسم اقتصاد ی وارد بر کارگران فراهم میسازد^۹ نه تنها آنان را در پیش برد مبارزه^{۱۰} روزمره^{۱۱} صنفی^{۱۲} - اقتصادی خود حمایت میکند^{۱۳} ؛ (*)

(*) - اگر در جنبش کارگری سالهای ۱۸۹۰ روسیه^{۱۴}، این نشریات افشا^{۱۵} کنند^{۱۶} و^{۱۷} "شنبامه"^{۱۸} های منتشره از طرف محافل کوچک^{۱۹} سوسیال دموکرات^{۲۰} در میان کارگران است که تأثیر فوق العاده^{۲۱} و هیجان آوری میبخشد و باعث میشود که تمام کارگران رفع این بی^{۲۲} - ترتیبی های نفرت انگیز^{۲۳} ۰۰۰ که پایه^{۲۴} آن بر غارت و تعدی کارگران استوار است خواستار شوند و آماده گی خود را برای پشتیبانی از این درخواستها بوسیله^{۲۵} اعتصاب اعلام نمایند و باز اگر بسیار اتفاق میافتد که تنها ظهور شب نامه^{۲۶} در یک کارخانه (بعلت اهمیت^{۲۷} که این اوراق چاپی بمنزله^{۲۸} اعلان جنگ برای صاحبان کارخانه^{۲۹} مسا پیدا کرد^{۳۰}) برای ارضای تمام^{۳۱} درخواستها یا قسمتی از آنها^{۳۲} کافیت^{۳۳} .

(لنین - "چه باید کرد" - نقل آزاد از صفحات ۵۹ و ۶۰

ترجمه^{۳۴} فارسی)

در اینجا در شرایط خاص^{۳۵} میهن ما^{۳۶} آیا این اعلامیه های توضیحی سیاسی^{۳۷} - نظامی^{۳۸}، عملیات تبلیغ مسلحانه^{۳۹} (یا اعلامیه ها^{۴۰} توضیحی حول این محور) نخواهد بود که در عین دعوت کارگران به مبارزه^{۴۱} سیاسی^{۴۲}، در عین توضیح موارد گوناگون و متعدد^{۴۳} در ستسم

بلکه همچنین این عمل میتواند راه انجام اصلیتین وظیفه تاریخی اوراد را این مرحله یعنی راه سرنگون ساختن حکومت دیکتاتوری شاه و سرمایه داری وابسته ایران را با و نشان دهد.

اقتصادی وارد شده بر آنها، چنین نقش حمایت گری را بر — برای مبارزه آنها داشته باشد؟

جواب این سؤال رانسه ما، بلکه استقبال پر شور پیشروترین عناصر و محافل کارگری ایران از عملیات و تبلیغات جنبش مسلحانه نشان داد ما است. آنان اعلامیه های توضیحی سیاسی — نظامی ما را که حتی ارتباط مشخصی هم با مسائل و منافع روزمره آنها ندارد، دست به دست در کارخانه ها میگردانند و با اشتیاق خواهان مطلع شدن از مضامین آن هستند. تازه این در شرایطی است که سازمانهای مسلح پیش از هنوز کار مشخصا سازمان یافته و مترادفی را در این جهت شروع نکرده بودند و تبلیغات و توضیحات ما بطور سازمان نیافته و طبیعتا بسیار محدودی در میان این طبقه منعکس میشود. چندی پیش يك نسخه از اعلامیه های سیاسی — نظامی مربوط به خود ما که بعد از استفاده های مکرر برای استفاده بیشتر نحو جالب توجهی در پوشش محافظی از طلق قرار داد شده بود، از طریق همین محافل کارگری بدست ما رسید. ظاهر بسیار مستعمل اما محافظت شده این اعلامیه نشان میداد که در حالیکه در هفاود هم انفرز کارگران این اعلامیه را مطالعه کردند اما هنوز در میان آنان در گردش است! با توجه به چنین زمینه های آماد های، آیا این مسائل سازمانهای مسلح نیستیم که در این مورد، فعالیت لازم را برای سازماندهی این

قیام کارگر ————— ۸۶

به بیان دیگر این عمل، وسیله‌ای در اختیار پیش‌تاز انقلابی طبقه قرار می‌دهد که علاوه بر افشای هرگونه ستم اقتصادی، تمام مظاهر ستم سیاسی حکومت دیکتاتوری را چه بر این طبقه و چه بر طبقات دیگر خلقی به بارزترین شکلی افشاء نموده و راه سرنگونی حکومت، یعنی قرارداد ن "قهر انقلابی" مقابل "قهر ضد انقلابی" را تبلیغ نماید.

۲ - دسته‌ای از کارگران که با عمل ما مخالفت کردند :

الف - عدای از این کارگران معتقد بودند که این کاره کار خود اریه و اخوان و ... است. اینها در واقع پس از اعتصاب شدت مایوس شده و میدان را (بهر صورت) در بست در اختیار اریه می‌بینند. یأس این دسته از کارگران در مقابل امیدواری دسته قبلی کارگران نشان دهنده "عقب ماندگی" آنها نسبت به کارگران قبلی است. این و مواردی شبیه این حتی در بعضی اعتصابات دیده میشود و بعضی از کارگران میگویند اعتصاب را خود کارفرما برآه انداخته تا ما را اخلاص لگرنامد و حق ما را بخورد. در واقع اینان بدلیل نویا بودن یا وابسته بودن و یا ... هنوز بدرك درستی از مسائل خود و سرمایه دار (در همان حدیکه کارگران پیشرو صنفی دار هستند) نائل نیامده اند. اینان به قدرت طبقه خود اطمینان ندارند و در نتیجه نمیتوانند درک کنند

تبلیغات، برای کشاندن امواج روشنگر تبلیغ مسلحانه بدرون کارخانه، محافل کارگری و ... از خود نشان تداد هایم! بنظر ما هر علت یا عللی که تا کون می توانسته چنین کوتاهی هائی را از جانب جنبش مسلحانه توجیه کند، دیگر امروز قابل پذیرش نخواهد بود.

عملیات انفجاری ۰۰۰

که اعتصاب چه حربه محکم در دست طبقه کارگراست ۰۰۰

در اینجا نیز بالطبع عمل (انفجار) را نمیتوانند در رابطه با منافع طبقه خود تبیین کنند . این موارد حتی در اعتصابات دانشجویی و از طرف برخی از عقب ماندترین عناصر روشنفکری هم مشاهده میشود . آنها همواره علت عدم مشارکتشان را در اعتصاب چنین بیان میکنند : " این اعتصاب را خود دولت و سازمان امنیت برآورداخته است و قصدشان فلان و بهممان است ۰۰۰ " (در صورتیکه چنین نیست)

ب - دسته دیگر از کارگران که مخالف عمل ما هستند :

اینان تحت تأثیر تبلیغات دروغ آمیز رژیم نظرات نادرستی درباره ما دارند . (که این تحت تأثیر واقع شدن خود در لائس زیر بنائی تری دارد) بطور مثال : در آن زمان (بهار ۵۳) اختلاف بین دولت ایران و عراق در اوج خود بود و رژیم دایما تبلیغ میکرد که انقلابیون از عراق می آیند و ۰۰۰ به این دلیل می بینیم کسه کارگری میگوید : " ایران دشمن زیاد دارد و ۰۰۰ " یا کارگری میگوید : " این کار خرابکارها (چریکها) هم نیست زیرا آنها بمب را وقتش و جایی میگذاشتند که کارگران مشغول کار باشند ! " این دسته از کارگران شناختشان از جنبش مسلحانه در همان حدی است که رژیم ما را معرفی میکند .

چند نمونه دیگر نیز حاکی از نگرانی کارگران از آسیب رسیدن به سربازان پاسگاه بود ، که در واقع انعکاسی است از تبلیغات دروغین رژیم در ذهن بعضی از کارگران .

۳ - کارگرانی که از اظهار نظر خود داری کردند :

در نمود هائی که ما دیدیم این نوع برخورد و علت داشت :

قیام کارگر — کارگرانی که عمدتاً یا کارگران تازه از روستا آمده و یا سرپرستهای وابسته به کارفرما هستند . علاوه بر این کارگران کارخانه‌های دیگر (مثل کفش‌بلا) بودند که بین این عملیات و منافع خودشان رابطه‌ای احساس نمی‌کردند .

دوم — کارگرانی که محافظه‌کار (*) بودند و بعلمت شرس حاضر به بحث روی این موضوع نبودند (به قول کارگری صحبت در مورد این کارها حکایت " پدرت مرده است " میباشد) .

* * *

حال قسمتهای اساسی نتیجه‌گیریهائی را که فوقاً بدست آوردیم بطور خلاصه بیان میکنیم :

۱ — هنوز اکثریت کارگران جنبش مسلحانه را نمی‌شناسند . از هدفهای آن و رابطه‌ای که این جنبش با منافع اساسی آنان دارد بکلی بی‌خبرند . تنه‌اعده " محدودی از پیشروترین کارگران که عمدتاً سابقه تماس با روشنفکران انقلابی و یا اقشار مترقی خلقی دارند ، آگاهی‌هایی در این زمینه نشان میدهند . در حقیقت جنبش مسلحانه تاکنون نتوانسته است با جنبش خود بخودی کارگری با توجه به مرحله مبارزاتی آن و . . . رابطه

(*) — این محافظه‌کاری در بین بعضی از کارگران دلائل زیر — بنائی دارد . چنین کارگرانی یا از اقشار فوقانی و مرفه کارگران — که عمدتاً به کارفرما وابسته‌اند مانند سرپرستها و . . . هستند و یا کارگرانی ساده و تازه از روستا آمده که میتوانستند کارشان را از دست بدهند .

و تماس فعالی برقرار کند .

این نتیجه‌گیری امروز وظیفه بسیار سترگی در مقابل جنبش مسلحانه قرار می‌دهد که شاید از هر وظیفه انقلابی دیگر و مبرم‌تر و اساسی‌تر باشد .

۲ - کارگرانی که آگاهی صنفی و بطور محدودی آگاهی سیاسی دارند و فعالانه در اعتصاب شرکت داشته‌اند و همینطور کارگرانی که فقط آگاهی صنفی داشته‌اند اما باز هم بطور فعالی در اعتصابات شرکت کرده‌اند ، نه تنها از عملیات مسلحانه مسامحه استقبال کردند ، بلکه آنرا تنها شکل مبارزه پس از شکست در اعتصاب تلقی می‌کردند . این استقبال بطور مشخص در نتیجه مهم راد مقابل مانهاد :

اول - عمل مسلحانه پیشتر می‌تواند بطور مثبتی در جریان مبارزه و آگاهی طبقه کارگر تأثیر گذارد و بعنوان یکی از مهمترین وسائل رشد و سرعت‌گیری سیاسی و انقلابی جنبش خود بخودی طبقه ، شمرده شود .

دوم - این استقبال بمانشان داد که باید بآن استعداد بالقوه انقلابی و نیروی کیفی " که حتی در مبارزات ساده و روزمره کارگری در ایران وجود دارد ، بهای بیشتری داده شود .

این استقبال همچنین باید یگرایین نظر ما را تأیید کرد که يك جنبش نازل صنفی - اقتصادی در ایران بعلت شرایط خاص میهنی (دیکتاتوری وحشتناک پلیسی ، تاریخ طولانی مبارزات و ۰۰۰) بالقوه (و بشرط برخورد صحیح عنصر آگاه با آن بالفعل) می‌تواند فاصله عظیم خود را تا يك مبارزه حاد سیاسی حتمی در اشکال عالی مبارزه مسلحانه بسرعت طی نموده و آن استعداد

بالقوه انقلابی "نیروی کیفی" پوشیده در درون خود را آزاد سازد.

در واقع وقتی که دولت جنایتکار شاه خائن يك مبارزه صنفی ساده کارگران را توسط خیل عظیمی از نیروهای ژاندارم و پلیس (ساواک) سرکوب میکند؛ عناصر فعال آنرا شدیداً مورد پیگردن، شکنجه و آزار قرار میدهند؛ آنانرا مدت‌ها زندانی و یا بسندون پرداخت هیچگونه حق و حقوقی از کارخانه اخراج میکند و

وقتی که دولت ضد کارگری شاه خائن حاضر است برای شکست دادن حتی يك مبارزه صنفی کارگری تا سرحد کشتار کارگران بسی دفاع پیش رود (*) و خلاصه وقتی تمام طبقات و اقشار دیگر خلقی، دهقانان، دانشجویان . . . توده شهری و روستائی ایران، در زیر سهمگین ترین فشار سرکوب و خونین دیکتاتوری پلیسی این رژیم قرار دارند، چه شعار دیگری، چه شعار اساسی دیگری جز شعار "نابودی دستگاه حکومت سلطنت شاه جنایتکار و رژیم سرمایه داری خونخوار وابسته ایران" میتواند برای کارگران ایران مطرح باشد؟ و بعد برای رسیدن به چنین هدفی چه راه دیگری جز مبارزه مسلحانه توده‌ای میتواند وجود داشته باشد؟

(*) - چنین سرکوب و خشونت متقابلاً ما را به يك کیفیت بالای انقلابی و نیروی عظیم حیاتی‌ای در میان این جنبشها (هر چند غریزی و بی‌جهت) رهنمون میشود که میتوانند علیرغم همه فشارها باز هم قانون تخطی ناپذیر زندگانی حیات مادی را با حرکت و جوشش خمسون منعکس سازند.

در راستای تحقق چنین شعاری است که مناسبات جنبش انقلابی با جنبش خود بخودی طبقه کارگر، معنا پیدا میکند. اما این شعار، نه از طریق مستحیل شدن در جنبش خود بخودی طبقه و سرافورد آوردن در مقابل درخواستهای محدود صنفی - اقتصادی آن و یا مشغول شدن به نوعی سیاست "ترد یونیونیستی" . بعنوان ضرورت کار آرام سیاسی و ۰۰۰؛ نه با جدا ماندن و کنار کشیدن از مبارزه دیگر طبقات خلق به بهانه های گوناگون روشنفکر مسلکانه! و بالاخره نه با پیروی از تئوری اپورتونیستی مراحل" (*)

(*) - "تئوری مراحل" یا بقول لنین تئوری "مانور خائفانه" در مبارزه سیاسی چیست؟ او این تئوری را از زبان اکنونیست های روسیه چنین تعریف میکند: "تقاضاهای سیاسی که به لحاظ ماهیت خود برای تمام روسیه مشترکند - معهود باید در مراحل نخست با تجربه ای که قشر معینی از کارگران از مبارزه اقتصادی بدست آورد ه اند مطابقت داشته باشد (۱) در زمینه این تجربه است که میتوان و باید به تبلیغات سیاسی پرداخت." لنین در ادامه احتجاجات خود علیه اکنونیستها و برنامه "خط مشی پیشنهادی آنها مینویسد: "ولی این ژرف اندیشی بی مانند تنها یک موضوع عجیب نیست (استبط مکانیکی و باصطلاح قدم بقدم آنها از حرکت جنبش) بلکه یک طریقت نام و تمام نیز میباشد. همان برنامه های که ر. م در ضمیمه "جداگانه" "رابوچایامیسل" با این کلمات آنرا بیان کرده است: "آن مبارزه ای مطلوب است که در حین امکان باشد و مبارزه ای هم که در حین امکان است همان است که در دقیقه فعلی جریان دارد. این درست طریقت همان

قیام کارگر ————— ۹۲
به بهانه پائین بودن سطح جنبش خود بخودی و . . . بلکه

اپورتونیزم بیکرانی است که بطور غیرفعال خود را با جریان خود
بخودی هماهنگ میسازد - " تاکیک - نقشه مخالف نص صریح
مارکسیسم است " .

این تهمت است به مارکسیسم و عبارتست از تبدیل آن به همان
کاریکاتوری که نارد نیکها آنرا در جنگ با ماد رنقطه مقابل ما
قرار میدادند و این همان پائین آوردن سطح ابتکار و انرژی
مجاهدین آگاه است . در صورتیکه مارکسیسم برعکس برگشایش
وسیعترین دورنماها را برابرسوسیال دمکرات و واگذاری (اگر
بشود اینطور بیان کرد) تقوای مقتدری مرکب از میلیونها نفر از طبقه
کارگر که " بطور خود بخودی " به مبارزه برمیخیزند در اختیار وی
بابتکار و انرژی سوسیال دمکرات تکان عظیمی میدهد ! . . . در
لحظه ای که عیب بسیاری از سوسیال دمکراتها سی
روس همانا کمبود ابتکار و انرژی ، کمبود
وسعت دامنه ترویج و تبلیغ و تشکیلات
سیاسی و کمبود نقشه های وسیعتر فعالیت انقلابی
است ، در چنین لحظه ای گفتن اینکه " تاکیک - نقشه
مخالف بانص صریح مارکسیسم است " معنایش نه فقط
آلودن مارکسیسم از لحاظ تئوری بلکه بعلاوه
عقب کشیدن حزب از لحاظ عملی است .

(لینن - پایان نقل قول صفحات ۴۹ ، ۵۱ ، ۵۳)
" چه باید کرد ")

از طریق بردن تئوری "تبلیغ مسلحانه" بمیان این طبقه، از طریق تشکیل تمام اشکال مبارزاتی کارگران حول محور مبارزه مسلحانه است که تحقق آن امکان پذیر میشود. در چنین صورتی است که تمام شعارهای مرحله‌ای، در رابطه با جنبش این طبقه میتواند سمت اصولی و صحیحی پیدا نماید. در برابر چنین چشم اندازی است که تمام فعالیت‌های سیاسی و تشکیلاتی در میان این طبقه میتواند جهت گیری استراتژیک خود را پیدا کند.

۳ - سازمان مسلح پیشتازیه شرطی خواهد توانست از عملیات مسلحانه خود در رابطه با "جنبش طبقه کارگر" بهره برداری سیاسی نماید و به شرطی خواهد توانست این تئوری را (تئوری تبلیغ مسلحانه را به میان این طبقه ببرد که دارای تعاس سیاسی و تشکیلاتی لازم با این طبقه باشد. این تعاس سیاسی - تشکیلاتی بهیچوجه یک شرط مقدماتی، مثلاً معنای یک مرحله استراتژیک نیست؛ بلکه در ارتباط متقابل با "عمل مسلحانه" سازمان مسلح پیشتاز است که معنادار و یگانه شکل صحیح خود را بدست می‌آورد. به بیان دیگر ضرورت گسترش نفوذ و تکامل تئوری "تبلیغ مسلحانه" از یک طرف به تعاس بسیار گسترده تر سیاسی - تشکیلاتی با این طبقه، با جنبش این طبقه، با تمام وسائل سازمانی - سیاسی - نظامی وابسته است و از طرف دیگر خود در عین حال مضمون و محتوای سیاسی - استراتژیک این فعالیت‌ها را تعیین می‌سازد. بدین ترتیب در کادر چنین خط مشی‌ای در مقابل جنبش طبقه کارگر است که حلقه‌های متعدد کار تبلیغی - سیاسی - تشکیلاتی - نظامی سازمان پیشتاز به یکدیگر متصل میشوند.

قیام کارگر _____ ۹۴
و در روند رشد و گسترش نفوذ خود در میان طبقه کارگر
بر یگدیگر تأثیر گذارد و مجموعاً مبارزه انقلابی طبقه
را جلو میرانند .

۴ - مخالفتها، ناباوریهها و بی تفاوتی های موجود در
میان کارگران نسبت به جنبش مسلحانه ، دارای ریشه های
مشخص عینی و ذهنی ای در میان این طبقه است که طیف
معینی را از عکس العملهای تردید آمیز اقلشرفوقانی مرفه
کارگری در قبال جریانات انقلابی ، روحیات منفی بافانسه
دهقانی . . . تاکسانی که عمدتاً " بطور رو بنائی تحت تأثیر
تبلیغات رژیم هستند و . . . را منعکس میسازند . این امر باز
هم لزوم کار فشرده ، تبلیغی ، لزوم تعاس مستقیم تشکیلاتی -
سیاسی جنبش مسلحانه با این طبقه و مبارزه با افکار و ایدئولوژی
های غیر پرولتری (رویزیونیستی) رایج در آن که عمدتاً
پایگاه اقلشرفوقانی کارگری (آریستوکراسی کارگری) ایران را
منعکس میسازد ، بیش از پیش تأیید میکند .

گسترده تر باد جنبش طبقه کارگر
برافراشته تر باد پرچم جنبش مسلحانه خلق
مستحکمتر باد پیوند جنبش مسلحانه و جنبش طبقه کارگر
